

# مهاجرت

مقدمه:

شهرها توسعه می‌یابند، امکانات رفاهی به شهرهای بزرگ تخصیص داده می‌شود، روستاها از دیده‌ها پنهان می‌گردند و همگی به ویرانه‌ای مبدل می‌شوند، پنداری مکانی که زمانی سرسبز و خرم بود، مردمانش بشاش و خندان بودند، همگی به طاعون دچار گشته‌اند. آری درست است «طاعون»، تفاوت‌های عمیق میان شهر و روستا، پدیده مهاجرت را با خود به ارمغان می‌آورد و مهاجرت، همچون «طاعون» یک یک آبادیها را بکام مرگ می‌کشاند....

در این شماره که آخرین قسمت سلسله مقالات «روستا منطقه مغضوب» نیز می‌باشد به پدیده «مهاجرت» و علل و عوامل آن نظری می‌افکنیم.

○

**\* پس از جنگ جهانی دوم تحت تاثیر قوای دفع و جذب در مناطق توسعه نیافته جهان، مهاجرت بگونه‌ای همه‌گیر شکل گرفت. چنانچه در ایران تنها در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲ حدود ۱۲۸۲ پارچه آبادی کشور از میان رفته است.**

○

**\* چنانچه جمعیت شهری ایران از سال ۱۳۳۵ به بعد رشد طبیعی خود را طی می‌کرد، در سال ۵۵ می‌باید جمعیت شهر نشین به ۱۰/۵ میلیون نفر رسیده باشد، اما در سرشماری سال ۵۵، جمعیت شهرنشین ۱۵/۷ میلیون نفر دیده می‌شود.**

○

**\* مطابق سرشماری سال ۵۵، حدود ۳۰/۷٪ جمعیت شهری ایران در استان تهران گرد آمده است یعنی نزدیک به یک سوم جمعیت کل کشور.**



## «مهاجرت‌ها»

مجموعه تفاوت‌های عمیق میان شهروروستا پیدایش و رشد سریع پدیده مهاجرت را بعنوان یک پی‌آمد اجتناب‌ناپذیر، پیش‌رو قرار می‌دهد.

مهاجرت یا حرکت جمعیتی دراصل، معلول فطری «جذب» و «دفع» اجتماعی-اقتصادی است که غرض از دفع تأثیر عوامل نابسامان و ناپسند محل زیست مهاجرین می‌باشد و مقصود از «جذب» نیز تأثیر عوامل موردپسند، جاذب و خوشایند مناطق دیگر است.»

مهاجرت‌های داخلی بطور معمول به دو نوع حرکت «از شهر به شهر دیگر» و از «روستا به شهر» تقسیم می‌شود که نوع دوم در دو دهه اخیر در کشورما، مصداق اصلی می‌یابد.

قدرت دفع و جذب عوامل «مهاجرفرست» و «مهاجر پذیر» در ایران به حدی است که در طول دو دهه پس از فرم امپریالیستی، چهره جمعیتی کشور بگونه‌ای سریع و ناگهانی، تغییر شکل می‌دهد بدین شکل که در ظرف مدتی اندک، بخشی از مناطق خالی و بخشی دیگر جمعیتی بیش از ظرفیت خود را در بر

## \* سیاست خالی کردن روستا و انباشتن شهر به بیانی صریح از سوی شاه در زمان آغاز فرم عنوان می‌گردد:

مهاجرت‌هاست، لذا حجم افزایش جمعیت شهری به مراتب از حجم جمعیت روستائی بالاتر است که دقت بر جدول زیر تفاوت حجم افزایش را مشخص می‌سازد:

سال	کل کشور	شهر	روستا	ارقام به میلیون نفر	حجم افزایش
۱۳۴۵	۲۵/۸	۹/۸	۱۶	۱۳۵۵	۷/۸
۱۳۴۷	۲۵/۸	۹/۸	۱۶	۱۳۵۵	۷/۸
۱۳۴۸	۲۵/۸	۹/۸	۱۶	۱۳۵۵	۷/۸
۱۳۴۹	۲۵/۸	۹/۸	۱۶	۱۳۵۵	۷/۸

است. مقصد اصلی مهاجرین داخلی شهر تهران بوده است و این شهر مهمترین قطب تمرکز جمعیت و جلب مهاجرین را تشکیل می‌دهد.

در ترازنامه سال ۱۳۵۴ نیز علاوه بر این مضمون، علت مهاجرت‌ها نیز توضیح داده می‌شود:

«در سال مورد گزارش افزایش جمعیت شهری بعلاوه مهاجرت روستائیان به شهرها با رشد ۴/۱۶٪ ادامه داشت و مهمترین قطبهای جذب مهاجر، شهرهای بزرگ کشور مانند تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و شیراز بود.

سهم جمعیت مهاجر در کل جمعیت برای سال ۱۳۵۴ حدود ۱۴/۵٪ برآورد شده است. تمرکز شدید فعالیت‌های صنعتی و خدماتی در شهرها موجب افزایش سریع تقاضا برای نیروی انسانی گردیده است. افزایش دستمزدهای شهری در مقایسه با درآمدهای کشاورزی و روستائی، وجود امکانات بیشتر و بهتر رفاهی، درمانی، آموزشی و تفریحی در شهرها از عوامل اصلی جلب هر چه بیشتر جمعیت روستائی به مناطق شهری کشور بوده است.»

لذا همه ساله بخش اصلی افزایش جمعیت کشور را، جمعیت شهرنشین شامل می‌شود.

سرشماری سال ۵۵ نشان می‌دهد که از جمع کل جمعیت شهری ۴۳/۱٪ را متولدین مناطق دیگر تشکیل می‌داده‌اند. دست‌اندرکاران رژیم نیز، مهاجرت‌های داخلی را از جمله مختصات مشهود این سال‌های دانند:

«مهاجرت از دهات به شهرها از جمله خصوصیات بارز است که در سال‌های گذشته (مقصود سال‌های دوران برنامه چهارم یعنی ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) رواج داشته است. افزایش جمعیت سالانه در شهرها بطور متوسط معادل ۱/۴٪ و در روستاها حدود ۱/۷٪ بوده



ارقام به میلیون نفر

سال	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷
جمعیت کل کشور	۳۲	۳۴	۳۳/۶	۳۴/۶	۳۵/۵
جمعیت شهری	۱۴	۱۵	۱۵/۷	-	۱۷/۳
جمعیت روستائی	۱۸	۱۹	۱۷/۹	-	۱۸/۲

در روند مهاجرت‌ها، قوای جاذبه شهرهای بزرگ بالاخص تهران، اصلی‌ترین بخش را به سوی خود می‌کشاند بطوری که افزایش سالانه جمعیت در تهران به ۴/۱۲٪، در اصفهان ۴/۱۷٪ در مشهد ۵/۱٪، در تبریز ۳/۹٪، در شیراز ۴/۴٪، در اهواز ۴/۱۸٪ و در کرمانشاه به ۴/۵٪ می‌رسد که نگاه به آمار افزایش جمعیت تهران و چند مرکز استان دیگر، گویای

**\* سیل مهاجرین به مراکز خدماتی و رفاهی، عواقبی در پی می‌دارد که میتوان از بحران مسکن، رشد مشاغل کاذب، پیدایش حاشیه نشینی و تغییر فرهنگ روستائی و... نام برد.**

می‌گیرد، از اینرو ر ایران نیز تغییر چهره جمعیتی، مشابه دیگر کشورهای توسعه نیافته در ظرف مقطعی کوتاه و بگونه‌ای نامتناسب و غیراصولی، صورت می‌پذیرد.

پس از جنگ دوم جهانی تحت تأثیر قوای دفع و جذب در مناطق توسعه نیافته جهان، مهاجرت یا تغییر جمعیتی بگونه‌ای همه‌گیر شکل گرفت و موجب هجوم روستائیان و اهالی شهرهای کوچک به پایتخت و شهرهای بزرگ و اصلی گردید، همچنانکه چند دهه قبل از آن چنین حرکتی در اروپای قرن نوزدهم مشاهده گردیده بود که آن حرکت با توجه به رشد صنعتی و مقدور بودن شهرها به جذب مهاجرین انجام شد و مهمتر آنکه مهاجرتها نه در یک مقطع کوتاه، بلکه بطور تدریجی و در طول چند دهه صورت گرفت، در حالیکه مهاجرت‌ها در مناطق توسعه نیافته، نه یک حرکت سنجیده و حساب‌شده تلقی می‌شود و نه تدریجاً صورت می‌پذیرد، بلکه در طول مدت کوتاهی، روستاها به نفع پر شدن شهرها خالی می‌شوند.

در ایران نیز بنا به علل مختلف در فاصله تنها دو سرشماری یعنی ۱۰ سال، مناطق از جمعیت خالی و برخی دیگر از مناطق افزایش جمعیتی سرسام‌آور را نشان می‌دهند.

برای پی بردن به قدرت قوای دفع در مناطق مهاجر فرست که مشخصاً مناطق روستائی کشور است، همین بس که تنها در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲ حدود ۱۲۸۲ پارچه آبادی کشور یا از بین رفته و یا خالی از سکنه شده است یعنی بطور متوسط هر ساله ۱۸۳ روستا از حوزه مناطق مسکونی خارج شده و جمعیت خود را به مناطق دیگر فرستاده است، در مقابل این روند، افزایش روند شهرنشینی دارای نقاط برجسته‌ای است بطوری که تعداد شهرهای کشور در فاصله ۲۰ ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بیش از ۲ برابر شده است بدین ترتیب که تعداد شهرهای کشور که در سال ۱۸۶، ۳۵ بود در سال ۱۳۴۵ به ۲۶۵ و در سال ۱۳۵۵ به ۳۷۳ شهر افزایش می‌یابد.

در تعقیب روند شتاب‌آمیز مهاجرت‌ها، ساکنان مناطق شهری که در سال ۳۵ تنها ۳۱/۴٪ کل جمعیت را تشکیل می‌دادند، در سال ۴۵، ۳۸٪، در سال ۵۵: ۴۷/۱٪ و در سال ۶۰ میزان ۵۱/۸٪ کل جمعیت کشور را شامل می‌گردند.

با رجوع به آمار جمعیتی، چنانچه جمعیت شهرهای ایران از سال ۱۳۵۵ به بعد رشد طبیعی خود را طی می‌کرد: در سال ۵۵ می‌باید حدود ۱۰/۵ میلیون شهرنشین در کشور موجود باشند، اما در سرشماری سال ۵۵: ۱۵/۷ میلیون شهرنشین دیده میشود که تفاوت فوق، ناشی از سرعت روند

رشد سریع چند شهر عمده کشور است. توضیح: آمار زیر مربوط به هریک از شهرهای زیر است نه استان مربوطه:

شهر	جمعیت در سال	جمعیت در سال
تهران	۱۳۴۵	۲۹۸۰۰۴۱
اصفهان	۴۴۹۶۱۵۹	۴۳۴۰۰۴۵
مشهد	۶۷۱۸۲۵	۴۰۹۶۱۶
تبریز	۵۹۸۵۷۶	۴۰۳۴۱۳
شیراز	۴۱۶۴۰۸	۲۶۹۸۶۵
اهواز	۲۳۹۰۰۶	۲۰۶۳۷۵
کرمانشاه	۲۹۰۸۶۱	۱۸۷۹۳۰

شهر تهران در این میان با توجه به تعدد جاذبه‌هایش، بعنوان مهمترین نقطه نقل مناطق مهاجرپذیر محسوب می‌گردد.

سرازیر شدن خیل مهاجرین به تهران در خلال این سالها باعث می‌گردد تا از ۴/۲٪ میزان رشد سالانه جمعیت شهر تهران، ۱۲/۲٪ آن مربوط به مهاجرتها شود، بطوری که در شهر تهران از ۳۳۳۹ هزار خانواری که از سال ۵۵ تا ۵۹ بر خانوارهای شهری اضافه گردیده‌اند، ۲۰۰ هزار خانوار را مهاجرین شامل می‌شوند.

پس از «تهرانجاذب»، شهرهای اصفهان، اهواز، شیراز، تبریز و مشهد بخشهای دیگری از مهاجرین را در خود جای می‌دهند و هرچه از تهران و سایر شهرهای بزرگ به دیگر مراکز استانها و شهرهای دیگر نزدیک شویم، میزان مهاجرپذیری نه تنها کم و کمتر می‌شود بلکه میزان شهرنشینی نیز رو به تقلیل می‌گذارد،

که در محورهای زیر بر شمرده می‌شوند:  
الف: روند از هم گسستگی کشاورزی مجموعه سیاستهایی که در جریان رفرم و پس از آن بکار گرفته شده، دگرگونی چهره کشاورزی ایران را رقم زد که در یک پروسه چند ساله، جامعه تولیدی روستائی ایران را در بطن خود مبدل به جامعه‌ای مصرفی نمود. در این روند سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی که در سال ۱۳۴۱ به ۲۸/۵٪ کل می‌رسید در سال ۵۶ به ۸/۴٪ تقلیل یافت و از آنجا که این بخش در ایجاد اشتغال نقش مهمی را ایفا می‌نمود، در روند طی شده بدلیل از دست دادن عنصر فعال و مولد خویش، چنین نقشی را نیز از کف داد و نتیجتاً نیروی فعال در این بخش که در سال ۴۵ حدود ۴۶٪ کل



لذا استانهای کم جاذبه‌ای چون بویر احمد و کهگیلویه، ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان کمترین میزان شهرنشین را دارا می‌باشند.

مجموعه عوامل بکار گرفته شده در سالهای پس از رفرم و قوای دفع و جذب موجب می‌شوند تا مناطق کشوری در عمل به مناطق صادر کننده مهاجر پذیر تقسیم گردند که با پر شمردن این مجموعه عوامل، در حقیقت آخرین جمع‌بندی از تفاوت‌های اصلی شهر و روستا که خود بعنوان علل اصلی مهاجرتها عمل می‌کنند، ارائه می‌گردد تا ماهیت مهاجرتها و تغییر چهره جمعیتی در ایران مشخص شود.

#### «علل اصلی مهاجرتها»

مهاجرتها در ایران که بطور عمده پس از رفرم امپریالیستی دهه ۴۰ شتاب سریعی بخود گرفت، به عللی گوناگون صورت پذیرفت

مطابق سرشماری سال ۵۵، حدود ۳۰/۷٪ جمعیت شهری ایران در استان تهران گرد آمده است یعنی نزدیک به یک سوم جمعیت کشور که این نسبت حتی با دومین استان پر جمعیت کشور، فاصله‌ی بسیار دارد بگونه‌ای که استان اصفهان با یک میلیون و ۳۷۰ هزار نفر جمعیت شهری در سال ۵۵، ۸/۶٪ کل جمعیت شهری کشور را در خود جای می‌دهد.

در طول این سالها، هجوم انبوه مهاجرین به تهران، موجب می‌گردد که جمعیت شهری استان تهران با مجموع جمعیت شهری ۴ استان اصلی و پر جمعیت کشور یعنی استانهای اصفهان، خوزستان، خراسان و آذربایجان شرقی برابری می‌کند، از اینرو میان دو سرشماری سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵، پذیرش مهاجرت در شهرهای بزرگ ۳/۱٪ و در تهران ۳/۱۴٪ بوده است.

شاغلین کشور را شامل می‌شدند، در عمل بهانه‌ای برای ماندن در روستا و اشتغال به کشاورزی نیافتند و راهی شهرهای دیگر شدند.

لذا غیر فعال شدن بخش کشاورزی تأثیری بسزا در افزایش مستمر مهاجرتها داشت باتوجه به آنکه مهاجرتهای داخلی در ایران بطور عمده از روستابه شهر صورت گرفته است.

ب: توزیع نابرابرانه زمین

رجوع به تجارب دیگر کشورها بویژه کشورهای که روندی انقلابی را گذرانده‌اند، بیان می‌دارد که تقسیم زمین میان دهقانان از اصلی‌ترین سیاستهایی محسوب می‌شود که برای جلوگیری از مهاجرتها، اتخاذ می‌گردد و در حقیقت در حکم ایجاد انگیزه برای ماندن در روستا بکار می‌آید.

در ایران توزیع نابرابرانه زمین از

مشخصه‌های اصلی بخش کشاورزی محسوب می‌گردد که حتی پس از «اصلاحات ارضی» و «انورهای»

تبلیغاتی بسیار حول آن، این مشخصه همچنان نمایان بود بطوریکه پس از اصلاحات، تنها ۴۱/۸٪ از کل اراضی کشور در اختیار ۱۱۲۴۷۳۶ خانوار یا واحد بهره‌برداری کوچک قرار داشت که میانگین هر واحد بهره‌برداری آن فقط ۰/۷ هکتار است در حالیکه، بیش از ۳۲۰ هزار هکتار از مرغوبترین اراضی کشور که ۲۰٪ کل را تشکیل می‌داد، تحت کنترل ۲۵۰۶۵ خانوار یا واحد بهره‌برداری بزرگ بود. نتیجتاً بی‌زمینی بخش عظیمی از روستائیان در پوشش کارگران کشاورزی، خوش‌نشینان و دهقانان بی‌زمین و عدم تعادل در توزیع زمین، مهاجرت را پیش‌روی روستائیان قرار می‌دهد.

ب: سیاست شهرگرایی و تمرکزگیزی از سوی رژیم  
آنچنانکه قبلاً عنوان گردید، این سیاست در تغییر چهره جمعیتی کشور نقش مهمی داشت بطوریکه درصد شهرنشینی بطور مستمر افزایش یافته و سهم روستائیان در جمعیت کشور رو به کاهش می‌گذارد.  
سیاست خالی کردن روستا و انباشتن شهر به بیانی صریح از سوی شاه در زمان آغاز رفرم عنوان می‌گردد.  
«اینک نسبت جمعیت کشور که ۷۵٪ آن روستائی و ۲۵٪ شهری است می‌باید ظرف ۲۰ سال آتی دگرگون شده و ۷۵٪ جمعیت شهرنشین شوند».  
که در پی آن کلیه امکانات اعم از مالی، فنی و مشورتی در این سمت بکار گرفته می‌شوند که در ظرف چندسال، مناطق خالی و مناطقی دیگر خارج از ظرفیت خود، جمعیت می‌پذیرند.

ج: نیاز بخشهای سودآور به نیروی کار تغییر ساخت اقتصادی ایران و ایجاد کانالهای جدید سرمایه‌گذاریهایی هنگفت، نیاز به نیروی کار متناسب با آن را طلب می‌کرد که این نیاز به قیمت اضمحلال کشاورزی و آزاد شدن نیروی کار فراوان تأمین گردید.

رشد صنعت موتناژ بعنوان صنعتی کاملاً وابسته و افزایش روزافزون حجم فعالیتهای بخشهای سودآور و غیرتولیدی خدمات و ساختمان، پس از سالهای رفرم، سبب ایجاد دگرگونی در جمعیت شاغل کشور گردید بطوری که سهم بخشهای مختلف در جمعیت شاغل تغییری بسیار از خود نشان داد.  
دقت بر جدول مقایسه تغییرات شاغلین، این دگرگونی را نشان می‌دهد:

### جدول مقایسه تغییرات شاغلین

بخش	۱۳۴۵	۱۳۵۵
کشاورزی	۴۶/۲٪	۳۴٪
صنعت	۱۸/۹٪	۲۰٪
ساختمان	۷/۴٪	۱۳/۵٪
خدمات	۲۵/۶٪	۳۱/۶٪
نامشخص	۱/۹٪	۰/۱۹٪
جمع	۱۰۰٪	۱۰۰٪

در حالیکه قبل از آن یعنی در سال ۱۳۳۵ سهم کشاورزی در جدول ۵۶٪ بوده است.

جدول اشتغال مهاجرین، جذب نیروی کار آزاد شده را در بخشهای سودآور، نیکوترین می‌دارد:

«درصد مهاجرین شاغل بر حسب فعالیتهای عمده در سال ۵۱ در مناطق شهری»

بخش	کشاورزی	صنعت
درصد	۴	۲۶
		۱۲
		۵۸
		۱۰۰

بدین ترتیب تأمین سوددهی سرمایه‌ها در بخشهای منفعت‌زا و بهره‌گیری از نیروی کار ارزان آزاد شده، از دیگر انگیزه‌های رژیم در سوق جمعیت روستائی به شهرهاست.  
ج: تفاوت درآمدها

تفاوت فاحش درآمد در شهر و روستا با توجه به غیر مولد بودن جامعه روستائی و بکار گرفتن تمام سرمایه‌ها در شهرها، از علتهای مهم سیل مهاجرت روستائیان به شهر است.  
برآوردهای مرکز آمار ایران از درآمد و بودجه خانوارهای شهری و روستائی بیان می‌دارد که در سال ۵۳، متوسط درآمد یک خانوار روستائی به ۸۸۴۳۶ ریال می‌رسد یعنی درآمد شهرنشین ۲/۷ برابر روستائین در سال است.

از اینرو کسب درآمد خودش در تحریک روستائین در آمدن به شهر بسیار مؤثر است، آمارگیری نمونه تهران نمایش می‌دهد که متوسط درآمد ماهانه مهاجرین در تهران به ۲۰۲۴ تومان، در سال ۵۳ می‌رسد در حالیکه درآمد همین خانوارهای مهاجر تا قبل از مهاجرت تنها ۲۶۹ تومان در ماه بوده است، یعنی آنکه در اثر مهاجرت درآمد ماهانه آنان ۷/۵ برابر شده است که خود نشان‌دهنده جاذبه تحصیل درآمد بیشتر در شهر است.

۵: اشتغال غیر فعال شدن جامعه روستائی و ناتوانی بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال، روستائیان را بویژه جوانان روستائی را برای یافتن کار، روانه شهرها می‌ساخت و در حالی که مستمراً زمینه هر نوع فعالیت در روستا کاهش می‌یافت، اشتغال کاذب شهری جمعیت

بیشتری را در صف شاغلین جای می‌داد که این جمعیت عمدتاً از روستائیان تشکیل می‌شد.

در فاصله ده ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ تعداد شاغلین شهری ۲ میلیون نفر افزایش یافت و در حالی که به بیانی دیگر اشتغال شهری ۲۸/۲٪ افزایش نشان می‌دهد، اشتغال در بخش کشاورزی طی همین مدت ۶٪ کاهش داشته است.

در سرشماری سال ۱۳۵۵ از مجموع ۹۹۶۶۳۶ نفر بیکار در کل کشور بالغ بر ۷۷۳۷۰۸ نفر را بیکاران روستائین تشکیل می‌دهند بعبارتی ۷۹٪ بیکاران کشور در روستا بسر می‌برند.

در همین سال از جمع ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار نفر جمعیت فعال روستاها، ۱۴/۲٪ بیکارند در حالیکه نسبت بیکاری و یافتن شغل از دیگر انگیزه‌های مهاجرین است.

ر: تمرکز بهداشتی  
عظیمترین و مطلوبترین امکانات بهداشتی کشور و بخش اعظم نیروی متخصص کشور در شهرها بخصوص تهران بسر می‌برند و در مقابل امکانات بهداشتی و درمانی روستائی تنها در حد امکان سرپائی متوقف است.  
علاوه بر امکانات درمانی، سایر خدمات بهداشتی و نهادهای خدماتی این بخش تماماً دارای پوشش شهری هستند.

ر: امکانات تحصیلی و فرهنگی نابرابری فاحش میان امکانات تحصیلی شهر و روستا، آنچنانکه دیده شد همواره بخش عظیمی از استعدادهای روستائی را از حوزه آموزشی کشور حذف می‌سازد.

در سال ۱۳۵۷ نسبت باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر، در شهرها ۶۸/۳٪ است، حال آنکه این نسبت در روستا تنها ۳۳/۶٪ است و یا در طول برنامه چهارم، حدود ۴۵٪ کودکان واجبالتعلیم روستائی از پوشش آموزشی کشور حذف می‌گردند.

ز- تمرکز امکانات تفریحی و ورزشی در شهرها

تمامی امکانات تفریحی همچون تفریحگاهها، پارکها، وسائل بازی کودکان و غیره و همچنین کلیه امکانات ورزشی کشور در شهرها تمرکز یافته‌اند در حالیکه کودک و نوجوان روستائی با هر نوع وسیله تفریحی و ورزشی بیگانه است.

س: تجمع امکانات رفاهی و خدماتی در مناطق شهری

افراد نهادهای خدماتی و رفاهی دولتی و خصوصی، شهرها را مرکز فعالیت خود قرار می‌دهند و با توجه به تنوع چنین خدماتی، امکانات رفاهی نیز خود در حکم عاملی جاذب در نزد مهاجرین تلقی می‌گردند.  
ش: مرکزیت اداری در شهرها



\* صدها هزار هکتار زمینهای موات وبایر بلامنازع در حوزة سیلابها ودر کنار رودخانههای عظیم، وزارت نیرو ووزارت کشاورزی را بسوی خود میخواند.

- برادر علی پناهنده نماینده مردم برخورا:

\* باید بایک طرح ضربتی زمینهای موات وزمینهای مصادره شده را به کشاورزان بی زمین واگذار کرده وتا آنجا که امکان دارد برای زمینهای بی آب، آب تهیه کنیم.

برادر محمد اسمیل شوشتری نماینده مردم شوشتر:

\* تا زمانی که مشکل کشاورزی را بطور بنیادی حل نکنیم چگونه می توانیم مسئله خودکفائی واردات و... را حل کنیم. باید بطور بنیادی با مشکلات برخورد کنیم وبدنبال علتها برویم نه معلولها. وقتی مشکل مهاجرت، مشکل روستائی وکشاورز را بررسی کنیم آنچه در اولویت است مشکل آب کشاورزی است. با توجه به آماري که از وزارت نیرو در رابطه با وضعیت اراضی کشور و آب در سطح مملکت داده شده می توانیم کشاورزی را رشد داده وبه حد خودکفائی یا حتی بالاتر برسانیم.

از مجموع مساحت کشور به غیر از جنگنها، مراتع و اراضی غیر مستعد کشاورزی ۳۳ میلیون هکتار زمین مستعد کشاورزی داریم و در حال حاضر ۱۵/۷ میلیون هکتار از این ۳۳ میلیون زیر کشت رفته است که این رقم اخیر مربوط به کل زمینهای زیر کشت آبی، دیمی آیش است و از مجموع اراضی زیر کشت نیز فقط ۳/۶ میلیون هکتار زمین آبی داریم که در همین رقم ناچیز نیز کشاورزان با مشکل آب مواجه هستند.

از مجموع ۱۴۹ میلیارد مترمکعب آب در سال اگر تمام اراضی زیر کشت برود می توانیم آنها را با این مقدار آب زیر پوشش قرار دهیم در حالیکه از ۱۴۹ میلیارد مترمکعب آب تنها ۱۴ میلیارد مترمکعب آن مهار شده و مورد استفاده قرار می گیرد.

تا زمانی که با مشکل مهاجرت برخورد اصولی نشود نمی توان مشکلاتی مانند مسکن، ترافیک، آب، برق ودهها مشکل دیگر را حل نمود.

- آقای ابوالحسن حسینی نماینده مردم مینودشت:

\* مجلس باید هرچه زودتر امنیت کشاورزی را برای کسی که روی زمین کار می کند فراهم آورد تا دولت کسانی که سیاست مورد نظر او را ادامه می دهند مورد حمایت قرار دهد.

ص: تنوع کالاهای مصرفی در شهر تممیم فرهنگ مصرفی در جامعه در سطوح و لایه های گوناگون و نیز خنثی شدن عنصر و ماهیت مولد در جامعه روستائی، تعدد و تنوع کالاهای مصرفی در شهرها را از دیگر نقاط جاذب مصرفی می نماید.

ض: دنباله روی از اقوام و دوستان و کسب تشخیص اجتماعی

رفتن اقوام و وابستگان به شهر و یافتن کار و کسب درآمد، در جلب نظر روستائیان بی انگیزه برای ماندن در روستا موثر است. علاوه بر آن نشر فرهنگ ناسالم، شهرنشینی را در حکم متشخص بودن افراد جلوه داده و روستائی را تحت تاثیر چنین فرهنگی برای آزاد شدن از قالب «دهاتی» و درآمدن «شهری» راهی شهر می سازد.

ع: آمدن به شهر برای اندوختن سرمایه در مواردی آمدن روستائی به شهر با انگیزه اندوختن سرمایه و سپس بازگشت به روستا و سامان دادن پیشه قبلی خود صورت می گیرد که چنین حرکتی غالباً به اسکان دائم در شهر منجر می شود.

### «اثرات و پی آمدهای مهاجرتها»

عواقب مهاجرتهاى تحمیلی را نیز بدین ترتیب می توان ردیف نمود:

۱- تغییر چهره جمعیتی کشور تقسیم عملی مناطق کشور به مناطق صادرکننده مهاجر و مناطق مهاجرپذیر بخشی از مناطق ایران را از جمعیت خالی و برخی دیگر را لبریز از جمعیت می سازد.

این مهم در خلال سالهای اخیر سهم شهرنشینان را در کل جمعیت افزایش و سهم روستائینان را کاهش می دهد، در دل این تحول نیز در اتخاذ سیاست تمرکز گرائی شهری چون تهران در فاصله ۲۰ ساله ۱۳۱۵ تا ۱۳۳۵ دارای رشدی معادل ۱۹۰٪ می گردد و چند شهر مهم دیگر نیز در فاصله چند سال، جمعیت خود را دو برابر می بیند.

۲- تغییر در جدول اشتغال کشوری و تامین نیروی کار بخشهای سودآور.

در اثر مهاجرتها، بخش کشاورزی نقش خود را در ایجاد اشتغال کشوری از دست داده و نیروی رها شده کار جذب بخش صنایع مونتاژ، ساختمان و خدمات می گردند و هدف رژیم از تامین نیروی کار ارزان بخشهای سودآور محقق می شود.

۳- ورود کارگران ساده و کم مهارت به بازار کار شهری

۴- افزایش مشکلات شهری

بعلت افزایش روند غیر اصولی و تحمیلی مهاجرتها، بر مشکلات شهری بخاطر عدم توان آنان در پاسخگویی به مسائل مهاجرین یا

افزافه شده، افزوده می گردد.

### ۵- بحران مسکن

بحران مسکن در اثر هجوم مهاجرین به مناطق شهری رو به حاد شدن می گذارد.

گروهی عظیم در طی مدتی کوتاه به شهر روی می آورند، در حالیکه شهر قدرت جذب همه جماعت مهاجر را نداشته و مسکن کافی برای آنان نمی یابد.

در فاصله دو سرشماری ۱۳۴۵ تا ۱۳۳۵ بالغ بر ۳/۴ میلیون نفر از روستا به شهر مهاجرت کردند، یعنی رقمی معادل ۷۰۲ هزار خانوار به جمعیت شهری اضافه گردیده که بطور طبیعی به همین میزان به مسکن شهری اضافه نیاز خواهد بود.

### ۶- رشد مشاغل کاذب

ورود خیرگیل مهاجرین به شهرها باعث ایجاد و رشد مشاغل کاذب و غیر مولد همچون دستفروشی می گردد که رشد چنین مشاغلی بر تعداد بیکاران پنهان می افزاید که رژیم با حمایت از رشد این مشاغل کاذب، سعی بر آن داشت تا جامعه را فارغ از بحران بیکاری جلوه دهد.

### ۷- پیدایش حاشیه نشینی

با ورود جریانهای مهاجرتی به شهرهای بزرگ و انتقال جمعیتی از روستا به شهر، پدیده حاشیه نشینی را در حکم یکی از مشکلات عمده شهری، ظاهر می سازد.

افزایش سریع جمعیت در شهرهای بزرگ، درآمدهای کمتر از حد نصاب، گرانی و کمبود مسکن و اجاره آن و نابرابریهای اجتماعی و عوارض سیستم سرمایه داری وابسته، از عمده ترین علل حاشیه نشین شدن گروههایی از جمعیت و گردآمدن آنان به دور شهرهای بزرگ به حساب می آید، گروههایی که جذب اقتصاد شهری نشده و بالا جبار در کنار شهر در اوضاعی اسفناک اسکان می گزینند.

۸- حذف تدریجی فرهنگ بومی و پذیرش فرهنگ شهری

در نهایت علل و پی آمدهای مهاجرتها که در اصل ریشه در نابرابری های میان شهر و روستا دارد، با دقت بر روند یا رشد، پس از سالهای رفرم، می باید طبیعی تلقی گردد، چرا که مجموعه اقدامات انجام گرفته در این سالها، کمترین بهانه ای برای ماندن روستائیان در روستا باقی نمی گذارد.

